

بررسی تأثیر وزن دهی سنجهای و ابعادی دینداری بر سنجش میزان دینداری

حیدر جانعلیزاده چوب‌بستی^۱، جابر میرزاپوری ولوکلا^۲

چکیده

ضرورت و چگونگی ارائه سنج‌های دینداری متناسب با موقعیت‌های اجتماعی و بررسی تأثیر وزن دهی سنج‌های و ابعادی دینداری بر سنجش میزان دینداری جامعه مورد مطالعه دو هدف اصلی این مطالعه است. از دو روش اسنادی و پیمایش برای بررسی موضوع استفاده شده است. بررسی‌های اسنادی و پیشینه‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد با اینکه مدل‌های دینداری به اقتضای محتوای دینی، برداشت شارحین مذهبی و ساختار سیاسی-اجتماعی هر جامعه نسبی هستند، محققان سنجشگر میزان دینداری، برای وزن دهی سنج‌های و ابعادی دینداری اهمیت قائل نشده‌اند. همچنین جهت بررسی چگونگی تأثیر وزن دهی سنج‌های و ابعادی دینداری بر نتایج تحقیق از روش پیمایش با ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته بر روی جمعیت نمونه ۳۳۹ نفری استفاده شده است. یافته‌های این بخش از تحقیق نشان می‌دهد که با اجرای تکنیک دو مرحله‌ای وزن دهی سنج‌های و ابعادی، میزان دینداری در ابعاد مختلف دینداری و دینداری کلی تغییر می‌کند. همچنین با اجرای این تکنیک روش شناختی، همراه با نوسان در سطح توصیفی، تأثیرات محسوسی در سطح تبیین و ارتباط متغیرهای دیگر با میزان دینداری نیز مشاهده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: وزن دهی، دینداری، وزن دهی سنج‌های، وزن دهی ابعادی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۲/۱۵

Archive of SID

^۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران hjc@umz.ac.ir

^۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول). mirzapouri_j@yahoo.com

مقدمه

بررسی بسترها و زمینه‌های تاریخی-اجتماعی جوامع بازگوکننده رابطه دیالکتیکی میان ذهنیت^۱ و عینیت^۲ (انسان و جامعه) در شکل-گیری مکاتب و تئوری‌های علمی است. دلالت‌های تاریخی و تحلیل معرفتی مکاتب و نظریه‌ها نشان می‌دهد که شکل‌گیری مکاتب، پارادایم‌های علمی^۳، تئوری‌های جامعه‌شناختی و رشداندیشمندان اجتماعی، به تحولات پدید آمده‌های اجتماعی^۴ وابسته است (تنهايي، ۱۳۸۳: ۴۳). رابطه دیالکتیکی میان عینیت و ذهنیت در رشد مکاتب و تئوری‌های اجتماعی، بیانگر سهم یکسان انسان و محیط اجتماعی در طرح‌ریزی‌های تئوریک است. لذا ماهیت و تکامل مدل‌های نظری و تجربی تحقیق وابسته به زمینه‌ها و موقعیت اجتماعی خاصی هستند.

برخلاف همتایی ابژه‌های علوم طبیعی، علوم اجتماعی با کنشگران مختار و ساختارها و بسترهای اجتماعی ناهمتایمواجه است. نظریه‌های علوم طبیعی به آسانی بیشتری قابل ارتقاء به قوانین ثابت قرار می‌گیرند ولی در علوم اجتماعی این امید را تنها در ارتقاء یک فرضیه به نظریه می‌توان داشت. برخلاف علوم طبیعی که دارای موضوعات و قوانین باثبات‌تری هستند، علوم انسانی با ابژه‌های متغیر و قوانین نسبی در زمان و مکان‌های مختلف مواجه است.

با توجه به نسبت قوانین در علوم اجتماعی باید شکل‌گیری بینش‌ها، تئوری‌ها، مدل‌های نظری و تجربی منطقه‌ای به اقتضای مسائل موجود را در جامعه‌شناسی انتظار داشت (ارمکی و عبداللهی، ۱۳۸۰: ۴۹۴). جامعه‌شناسان و محققین حوزه علوم اجتماعی با بررسی‌های تجربی و تاریخی جامعه مورد مطالعه خود، طرح تئوری‌های نسبی مختص آن را ابداع و در معرض آزمایش‌های تجربی قرار می‌دهند. این رویه متمایز بیانگر توجهات اجتماعی و زمینه‌ای در تدوین تئوری‌ها و بکارگیری آن‌ها در واری و تنظیم داده‌های تجربی برای اثبات است. رویکرد دیالکتیکی میان ذهنیت و عینیت در تولید مکاتب و تئوری‌های جامعه‌شناختی، قطعیت، یکتایی و یکپارچگی تئوری‌های جامعه‌شناختی را مورد تردید قرار می‌دهد.

دینداری^۵ به عنوان یک واقعیتی اجتماعی و سنجش پذیر همواره مورد توجه جامعه‌شناسان دوره‌های مختلف از کلاسیک تا متأخرین بوده است. رویکرد نسبی‌گرایی در جامعه‌شناسی مؤید عدم توافق کامل اندیشمندان در بررسی و تحلیل علمی این واقعیت اجتماعی است. علوم اجتماعی با وظیفه مطالعه پدیده‌های ساخت یافته اجتماعی، ارتباط متقابل آنها، ساختار جامعه و فعالیت‌های کنشگران یک جامعه خاص (شومیکر و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵). ناگزیر است در تولید تئوری‌ها و مدل‌های نظری و تجربی به اقتضانات و بسترهای اجتماعی توجه نشان دهد.

محققین حوزه دینداری با توجه به رویکرد نسبی‌گرایی تئوری‌های جامعه‌شناختی باید به دلیل پیچیدگی روابط شخصی با یک جهان اجتماعی-مذهبی و دشواری‌های شناخت و سنجش کمی دینداری (ویلیم، ۱۳۷۷: ۷۸). و همچنین متدرج و متنوع بودن دینداری و اشکال خاصی از دینداری به دلیل تأکیدات سنت دینی بر جنبه‌هایی از ابعاد دینداری (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۷). به ساختارها و بسترهای اجتماعی جامعه مورد مطالعه توجه نمایند. به عبارتی دیگر در تدوین مدل‌های نظری و تجربی سنجش دینداری باید به انتظارات اجتماعی و درون دینی، نوع جامعه‌پذیری و آموزش‌های مذهبی توجه داشت.

ارتباط متقابل نهاد دین با دیگر نهادهای اجتماعی بخصوص در جوامع دینی (در مقابل جوامع سکولار) بر پدیده نسبی‌گرایی دینداری تأثیر شگرفی داشته است. دانیل بیتس معتقد است نظام‌های عقیدتی-دینی، منعکس‌کننده ویژگی‌های اساسی نظم اجتماعی که در آن ظاهر می‌شوند، هستند (افروغ، ۱۳۷۳: ۱۱۴). محصور کردن آموزه‌های دینی در مشروع سازی سیاسی نظام حاکم و تأکیدات خاص بر ابعاد خاصی از دین، نمونه‌ای از نسبی‌گرایی دینداری است. نوع دینداری بشر محصور در نوع

1. Subjective.

2. Objective.

3. Scientific paradigms.

4. Social phenomenon.

5. Religiosity.

آموزش‌های دینی و تأکیدات ابعادی است که از طریق نهادهای حاضر در نظام ساختاری جامعه به خود می‌بیند. بطوری که امروزه ما شاهد انواعی از دینداری هستیم (طالبان، ۱۳۸۲: ۵۱).

همان‌طوری که کاربرد یک سنج دینداری واحد برای ادیان متفاوت، یک رویکرد علمی نیست، تعیین سنج^۱ مشابه برای یک دین واحد در ساختارهای اجتماعی مختلف نیز غیرممکن است (شجاعی زند، همان: ۴۳). علاوه بر اهمیت توجه به تأکیدات برون دینی و تأثیر ساختار سیاسی-اجتماعی، باید به تأکیدات درون دینی و انتظارات دینی در تعیین شاخصه‌های سنجش دینداران نیز توجه کرد. ساختارهای اجتماعی و ادیان متفاوت با تأکیدات جامعه‌پذیری دینی متمایز، انواعی از دینداری را بوجود می‌آورند. چنین تأکیدات ابعادی، سهم و وزن‌های متغیر و متفاوتی را برای شاخصه‌ها و ابعاد دینداری در سنجش دینداری پیشنهاد می‌نماید. به نظر می‌رسد با اجرای تکنیک تعیین سهم و وزن سنج‌های و ابعادی دینداری^۲، نتایج تحقیق تغییرات محسوسی را تجربه خواهد کرد.

به سبب اهمیت نهاد دین در جامعه ایران، دینداری به عنوان یک حوزه تحقیقات اجتماعی مهم محسوب می‌شود. چه اینکه دینداری به عنوان یک متغیر مستقل یا وابسته در نظر گرفته شود و چه اینکه ماهیت یا سنجش آن مدنظر محققین باشد، باید در سنجش دقیق-تر این متغیر کوشید. اهمیت وزن‌دهی^۳ منطقی و مدلل شاخصه‌های سنجش دینداری در اعتبار و قابل اتکاتر نمودن سنجش میزان دینداری جامعه مورد مطالعه نهفته است.

مسئله محوری این است که با توجه به نسبی بودن تئوری‌های جامعه‌شناختی و همچنین مدل‌های نظری و تجربی دینداری، آیا بکارگیری یک مدل دینداری واحد برای جوامع و زمان‌های مختلف یک رویکرد علمی و قابل اتکاء نظری است؟ چه استدلال‌های نظری و تجربی برای پاسخ منفی به سؤال قبلی وجود دارد؟ چگونه امکان بکارگیری مدل‌های نظری و تجربی دینداری بومی در تحقیقات فراهم می‌گردد؟ از چه تکنیک روش‌شناختی برای تولید مدل‌های نظری و تجربی دینداری دقیق‌تر می‌توان استفاده نمود؟ آیا وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی دینداری توانمندی پاسخ‌گویی به بومی‌سازی مدل‌های نظری و تجربی دینداری را دارا است؟ چه ضرورتی برای وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی دینداری در تحقیقات جامعه‌شناختی وجود دارد؟ چه استدلال و منطقی پشتیبان وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی دینداری وجود دارد؟ چگونه امکان وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی دینداری محقق خواهد شد؟ با وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی دینداری چه تأثیراتیدر نتایج تحقیق صورت می‌پذیرد؟ تکنیک روش‌شناختی وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی دینداری چه تأثیریرا در سطح توصیفی و تبیینی تحقیقات مرتبط با دینداری خواهد گذاشت؟

تعریف مفاهیم اساسی پژوهش

دینداری: با رشد تحقیقات تجربی در حوزه جامعه‌شناسی دین، سنخ‌شناسی‌ها از دینداری یا التزام دینی و تعداد ابعاد در درون آن سنخ‌شناسی‌ها نیز تنوع یافت و از مقیاس‌های ساده تک بعدی به سمت مقیاس‌های پیچیده چندبعدی حرکت نمود (هیملفارب، ۱۹۷۵: ۶۰۶). امروزه محققان علوم اجتماعی دریافته‌اند که دین و بالتبع دینداری پدیده‌ای چندبعدی است، بطوری که ابعاد در نظر گرفته شده برای دینداری بین ۲ تا ۱۳ بعد (اکثریت ۴ تا ۶ بعد) در نوسان بوده است (هیل و هود، ۱۹۹۹: ۲۶۹). دینداری در همه ادیان و با هر تعداد ابعاد در نظر گرفته شده، به معنای داشتن اهتمام دینی به نحوی که مطابق با انتظارات دینی، نگرش، گرایش و کنش‌های افراد را متأثر سازد، است (شجاعی زند، همان: ۳۶).

دینداری در نگاه کلی به دو نوع التزام عینی (رفتاری) و ذهنی (اعتقادی و عاطفی) تقسیم می‌شود. التزام عینی ارجاع به کلیه رفتارها و اعمال معطوف به خداوند که توسط سازمان مذهبی مشروع در جامعه مشخص و توصیف شده‌اند، دارد. التزام ذهنی دربردارنده اعتقاد یا شناخت از تبیین‌ها و توصیفات تأیید شده توسط یک سازمان دینی و داشتن عواطف و احساسات مساعد نسبت به آن است

1. measure.

2. religious dimensions.

3. weighting

(استارک و فینکی، ۲۰۰۰: ۱۰۳). از دیدگاه طالبان، دینداری اسلامی به عنوان میزان التزام عینی و ذهنی افراد به دین اسلام که در مجموعه ای از اعتقادات، احساسات و اعمالی که حول خداوند و رابطه با او سامان یافته است مفهوم سازی نظری شد (طالبان، ۱۳۸۴: ۵۲۸).

وزن دهی سنجه ای و ابعادی دینداری: وزن دهی مرحله ای از تحقیق است که در ساختن شاخص، به عناصر با توجه به اهمیت آنها وزن داده می شود (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۲۸). لذا در مرحله وزن دهی سنجه ای و ابعادی دینداری، بر اساس محتوای دینی، آموزه های دینی، ساختار سیاسی-اجتماعی و به طور کلی جامعه پذیری دینی، به تعیین سهم و وزن سنجه ها و ابعاد دینداری در میزان دینداری کل پرداخته می شود. پس از تعیین ابعاد و شاخصه های دینداری، وزن هر یک از سنجه ها و ابعاد دینداری با توجه به آموزه های نهادهای دیندر ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خاص جامعه مورد مطالعه، تعیین می شود. به طور کلی این مرحله با این پشتوانه نظری همراه است که با توجه به نسبی گرایی در علوم اجتماعی، سنجه ها و ابعاد دینداری دارای وزن یکسانی در سنجش دینداری جامعه مورد مطالعه نیستند. هر یک از سنجه ها و ابعاد دینداری با توجه به انتظارات درون دینی و ساختار سیاسی-اجتماعی، دارای سهم متمایزی از یکدیگر هستند که محقق باید در مرحله سنجش دینداری جامعه مورد مطالعه آن را لحاظ نماید.

نسبیت مدل های دینداری

همه بینش ها محصول رابطه تعاطی و دیالکتیک میان ذهن و عین هستند. میان ساختمان ذهن اجتماعی و ساختمان ذهن فردی (ذهن و جامعه) یک داد و ستد مداوم وجود دارد. بنا بر قواعد و قوانین جامعه شناسی معرفت، هر گونه آگاهی و کنش ذهنی، به ناگزیر، با واقعیت اجتماعی و تاریخی درگیر، درهم تنیده و به عبارتی هم فراخوان هستند. هیچ آگاهی اجتماعی یا کنش ذهنی بدون هم فراخوانی با رخدادها و رویدادهای تاریخی و اجتماعی و عناصر ذهنی موقعیت، یا اینکه در خلاء تاریخی و سیستمی، صورت نمی پذیرد (تنهایی، ۱۳۹۰: ۲). در این رویکرد زمینه های اجتماعی هم بستر ساز و هم ابژه^۱ علم جامعه شناسی قرار می گیرند.

اندیشمندان علوم اجتماعی با بکارگیری، کمک و انطباق اندوخته ها و مفروضات علمی (ذهنیت) باید سعی در انطباق آنها با محیط های اجتماعی جدید (عینیت) راداشته باشند. تلاش کشورهای غیر اروپائی و غیر امریکائی برای بومی سازی و تدوین تئوری های جامعه شناختی در دهه های اخیر، نشانه ای از ناکامی مکاتب و تئوری های غیر بومی و لزوم رابطه تطبیقی تئوری های جامعه شناختی با موقعیت های اجتماعی جدید است. در این راستا می توان به تجربه و تلاش اخیر بومی سازی تئوری های جامعه شناختی کانادا در جهت کاهش وابستگی فکری به قدرت های علوم اجتماعی اتلانتيک شمالی، اشاره داشت (ارمکی و عبداللهی، ۱۳۸۰: ۴۹۵-۵۰۶).

بسیاری از حوزه های علوم اجتماعی به علت فقدان توجه به نظریه سازی عقب مانده اند. بیشتر پژوهش ها تأکید بیش از حد بر روی جمع آوری داده های تجربی نموده اند بی آنکه حس روشنی از هدف نظری داشته باشند. یکی از آسان ترین شیوه هایی که بیشتر محققان می توانند پژوهش های شان را به واسطه آن بهبود بخشند، افزایش توجه به نظریه سازی است (شومیکر و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۱۳). اقلیم، اقتصاد، فرهنگ و سیاست از جمله زمینه ها و متغیرهای تعیین کننده بکارگیری نوع رویکرد جامعه شناختی در توصیف و تبیین مسائل و ابژه های اجتماعی یک جامعه خاص است.

رویکرد بومی سازی^۲ معتقد است که اندیشمندان علوم اجتماعی باید در ساخت مدل های نظری و تجربی برای مواجهه با یک پدیده اجتماعی مانند دینداری به محیط اجتماعی توجه نشان دهند. در این رویکرد تئوری های جامعه شناختی و مدل های نظری مرتبط با دینداری نسبی هستند. محقق در ساخت مدل های دینداری باید به محتوای دینی، برداشت شارحین و مفسرین دینی، ساختار سیاسی-اجتماعی و فرآیندهای جامعه پذیری جامعه مورد مطالعه توجه نشان دهد. جامعه پذیری دینی، طی یک فراگرد تاریخ مند اجتماعی و

^۱Objective.

^۲Nativism.

تحت چیرگی ساختارهای سیاسی، اجتماعی و آموزشی و دیگر نهادها و سازمان‌ها در یک مکان و زمان خاص صورت می‌پذیرد. براساس این رویکرد هرگونه تعمیم و بکارگیری بدون تغییر و اصلاح مدل‌های نظری و تجربی دینداری در دیگر مکان‌ها و زمان‌ها یک عمل غیرعلمی و قابل تردید در نتایج تحقیق است.

توجه به انتظارات دینی و نظام ساختاری آموزه‌های دینداری در تدوین مدل‌های دینداری نمایان‌گر نسبی‌گرائی مدل‌های دینداری است. ادیان مختلف به علت محتوای متمایز، دارای ابعاد دینداری متفاوتی هستند، حتی محتوای یک مذهب نیز متأثر از رابطه متقابل با دیگر پدیده‌ها و واحدهای اجتماعی قرار می‌گیرد. (Johnston, 1988: p1-4) دین و به تبع آن مدل‌های دینداری، تحت تأثیر خرده‌نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، اشکال متنوعی را به خود خواهند گرفت. به طوری که از نظر مارکس دین صرفاً یک انعکاسی از روابط اجتماعی است. (جلالی مقدم: همان، ص ۱۶۰) جین اشنایدر در این زمینه اظهار کرده است: «شیوه تفکر مردم درباره قلمرو روحانی و مفهوم‌سازی قدرت‌ها و فرایندهای آن به طور قطع تحت تأثیر دنیایی است که در آن زندگی می‌کنند» (افروغ، ۱۳۷۳: ۱۱۴). مردم در دوره‌های گوناگون، تحت تأثیر جهان‌بینی‌ها و هنجارهای متفاوتی قرار دارند که بازتاب شرایط و محیط اقتصادی-اجتماعی آن زمان است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۵-۲۲۱). نتیجه بررسی چنین نظریه‌هایی، سنجش دینداری جامعه مورد مطالعه به اقتضای انتظارات درون دینی و بسترهای سیاسی-اجتماعی است.

بررسی دیدگاه بزرگان جامعه شناسی مؤید تأثیر ساختارهای اجتماعی بر محتوای دینی، آموزش و جامعه پذیری دین و نهایتاً انواع دینداری در یک جامعه است. آنها معتقدند که تأکیدات ساختاری و تحولات اجتماعی از طریق تأثیر بر محتوای دینی، انواعی از آموزش‌های مذهبی و ابعاد مختلفی از دینداری را شکل‌بندی می‌نماید. دورکیم اعتقادات دینی را دارای ویژگی اجبارکننده‌ای می‌داند که از طرف گروه بر اعضا وارد می‌شود (توسلی، ۱۳۸۰: ۲۲۱). به نظر وی اعتقادات و اعمال مذهبی با توجه به تغییرات مرفولوژی و ساختار گروه اجتماعی که اعتقادات و اعمال به آن وابسته است، تغییر می‌کند. به عبارتی:

تغییر در ساختار و مرفولوژی \longleftrightarrow تغییر در اعمال و رفتارهای مذهبی (swats, 1998: p75).

واخ نیز معتقد است که هرچه روند تمایزات اجتماعی و فرهنگی متریقی‌تر باشد، صور تعابیر دینی متنوع‌تر هستند. هر یک از دین‌های اسلام، بودا، هندو و کنفوسیوس، که اجتماع عظیمی را تشکیل می‌دهند از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور وسیعی متنوع‌اند. (واخ: ۱۳۸۰، ص ۲۶۳) مقایسه کاتولیک‌های روم و پروتستان‌ها نشان می‌دهد که در تعیین الگوهای اعتقادی، تفاوت‌های طبقاتی از تفاوت‌های نژادی مهم‌تر هستند. فعالیت‌های دینی، پیچیدگی هنجارها و نقش‌هایی را که فرهنگ طبقه متوسط یا طبقه پایین در جوامع متفاوت می‌سازند را منعکس می‌کند (Hallhami And Argyle, 1995-6: p755).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که انسان‌ها به اقتضای شرایط فرهنگی-اجتماعی-جغرافیایی خود، راه‌ها و تبیین‌های گوناگونی را جهت رابطه و اتصال به خداوند اتخاذ نموده‌اند. تنها تعداد کمی از انسان‌ها جرأت پیروی نکردن کورکورانه از هنجارهای حاکم فرهنگی-اجتماعی را دارند و تنها تا آنجائی که قدرت تفکرشان اجازه می‌دهد راه بهتری را در مسیر حق بیابند. بیشتر انسان‌ها همان دین و روشی را که برای تبیین خداوند به ارث برده‌اند، مطلق می‌پندارند (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۳۱۵).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و قرار گرفتن نخبگان مذهبی در رأس هرم قدرت سیاسی، تلاش برای حاکمیت بخشیدن به اسلام در تمامی ابعاد جامعه به عنوان آرمانی محوری و اساسی آغاز گردید. بطوری که تربیت دینی یا جامعه‌پذیری مذهبی از اهداف عمده‌ی نظام اجتماعی تعریف شد. با کنترل و هدایت مؤسسات رسمی جامعه‌پذیری کشور مانند مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های جمعی، اعم از رادیو، تلویزیون و بسیاری از مطبوعات، جهت‌گیری عملی نظام فرهنگی کشور در راستای تقویت و گسترش ارزش‌ها و باورهای اسلامی در میان مردم و به خصوص نسل جدید شکل گرفت (طالبان، ۱۳۸۲: ۳۸).

امروزه ما در ایران شاهد انواع دینداری هستیم. قرائت خاص فقهی-انقلابی حاکم بر نظام حکومتی موجب پذیرش انواع خاصی از دین‌داری مانند دین‌داری فقهی-رساله‌اس، یا قرائت رسمی از دین است. سوگیری‌های مذهبی که به انواع دین‌داری منجر می‌شود،

امری متفاوت از اصل و سطوح دین‌داری است (همان، ۵۱). رویکرد بومی‌سازیِ تئوری‌های جامعه‌شناختی تأکید می‌کند که در ساخت مدل‌سازی نظری و تجربی دین‌داری در جامعه دینی مورد مطالعه‌ای مانند ایران باید به تأکیدات خاص ساختار سیاسی-اجتماعی و محتوای مذهبی که در فرایند جامعه‌پذیری به کل جامعه تسری داده می‌شود، توجه نشان دهند. لذا مدل‌های نظری دین‌داری غیربومی تنها به عنوان یک زمینه و مقدمه‌ای برای شکل‌دهی مدل دین‌داری بومی قابل استفاده است.

نسبیت سنج‌های دین‌داری

ارائه مدل‌های دین‌داری متفاوت توسط متخصصین حوزه دین‌داری، مؤید نسبیت مدل‌ها و سنج‌های دین‌داری است. اتخاذ چنین رویکردی در بررسی جهانی که تحت تأثیر کثرت‌گرایی^۱ دینی قرار دارد، به رویه‌های علمی نزدیک‌تر است. همان‌طوری که دین‌داری تحت تأثیر نوع مذهب، موقعیت اجتماعی و نوع برداشت شارحین از محتوای دین‌داری یک موقعیت اجتماعی واحد، انواع متمایزی به خود می‌گیرد، سنج‌های دین‌داری نیز تحت چیرگی چنین متغیرهایی قرار دارند. بازنگری مدل‌های نظری و تجربی دین‌داری برای تعیین ابعاد دین‌داری باید همراه با تعیین نوع سنج و میزان سهم هر یک از آنها صورت پذیرد. به‌طور واضح‌تر تعیین سنج‌های دین‌داری، سطح تجربی‌تر و عینی‌تر ساخت مدل‌های نظری دین‌داری است. محققین علوم اجتماعی در بومی‌سازی مدل‌های دین‌داری و سنجش جامعه مورد مطالعه نهایتاً باید به اقتضای ساخت‌ها و آموزه‌های دینی به تعیین نوع و سهم سنج‌های دین‌داری پردازند. در مرحله تعیین نوع و سهم ابعاد و سنج‌های دین‌داری، علاوه بر توجهات محتوای دینی و ساختار اجتماعی حاکم بر آن باید نسبت به تأکیدات متمایز شارحین و مفسرین محتوای دینی نیز حساس بود، تأکیداتی که امروزه به سرعت در نظام تربیتی-آموزشی و فرایند جامعه‌پذیری دینی به افراد یک جامعه انتقال می‌یابد.

به عنوان نمونه اکثر اقوام بشری، بنیادی‌ترین اعتقادات مذهبی خود را در مناسک و فرایض مجسم می‌سازند (طالبان، همان: ۳۹) و بُعد عبادی دین‌داری را مقدم و مهم‌تر از دیگر ابعاد دین‌داری می‌دانند. این رویکرد توسط برخی از شارحین دین در اسلام تقویت می‌گردد و سهم بُعد عبادی در آموزه‌های اسلامی را بالاتر از دیگر ابعاد دین‌داری می‌دانند. آیت‌ا. جواد آملی در تبیین رابطه عبد و عبادت، با استناد به آیات قرآن، عبادت را هدف آفرینش می‌داند مانند جایی که قرآن می‌فرماید: "جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند" (ذاریات: ۵۶) همچنین در جای دیگری می‌فرماید: "ای بندگانی که به من ایمان آورده اید زمین من فراخ است تنها مرا پرستید." (عنکبوت: ۵۶) از نگاه ایشان این آیات بیان‌کننده آن است که بُعد عبادی دین هدف آفرینش انسان و تنها وظیفه انسان است (جواد آملی، ۱۳۷۸، ۴۲۹). آیا تأکید بر بُعد عبادی در اسلام قابل‌تسری به دیگر ادیان است؟ آیا همه شارحین و مفسرین اسلام رویکرد یکسانی در اهمیت ابعاد دین‌داری نسبت به یکدیگر دارند؟ ساختار سیاسی-اجتماعی و نهادهای دینی و آموزشی یک جامعه کدام شرح و تفسیر از دین را جهت تقویت خود اتخاذ می‌نمایند و سعی می‌نمایند تا از طریق سازمان‌های آموزشی و رسانه‌ها آن را به افراد جامعه خود تسری دهند؟

این سؤالات (بخصوص سؤال پایانی) در جوامع دینی با یک قرائت خاص مذهبی مانند جامعه ایران بسیار پیچیده‌تر خواهد گردید. جان کلام این پرسش‌ها در این نکته نهفته است که از دیدگاه جامعه‌شناختی فهم و کنش‌های انسانی علاوه بر شرایط روانشناختی فردی، تحت تأثیر ساختارهای حاکم بر او صورت می‌پذیرد. شناخت میزان دین‌داری افراد منوط به شناخت رویکرد این زمینه‌های تأکیدی است. اینکه چه ابعاد و شاخصه دین‌داری در یک زمان و مکان خاصی مورد تأکید و در فرایند جامعه‌پذیری دینی افراد قرار می‌گیرد. سهم یک بُعد یا شاخص از دین‌داری در سنجش میزان دین‌داری در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، متغیر است. لذا استفاده از یک مدل تجربی دین‌داری واحد برای ادیان مختلف، یا برای یک دین واحد در محیط‌های اجتماعی متغیر رویکردی علمی نیست. اتخاذ چنین رویکردی لزوماً نیازمند توجه به میزان سهم و وزن ابعاد و شاخصه‌های دین‌داری مطابق با ساختارهای حاکم بر پیروان آن مذهب در یک زمان و مکان خاص است.

^۱. pluralism.

این رویکرد را می‌توان نسبت به بُعد اخلاقی دین نیز تشریح کرد. اخلاق در فرهنگ اسلامی محدود به صفات ثابت (ملکات) است ولی در فلسفه غرب بیشتر توجه به ترک یا انجام افعال مربوط است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۳۴). در دیدگاه اسلام کار اخلاقی آن است که صرفاً برای تحصیل رضای خداوند صورت گیرد، لذا اگر فردی با نیت غیرالهی انفاق نماید، عمل او ارزش اخلاقی نخواهد داشت، چون ارزش اخلاقی افعال به نیت الهی است که از رهگذر ایمان به خدا، نبوت و معاد حاصل می‌آید (جوادی، ۷۷-۱۳۷۶: ۶۹-۶۸، امینی، ۱۳۸۴: ۶۰، منتظری، ۱۳۸۵: ۳۳۲). از دیدگاه این شارحین اسلام، اخلاق دینی، کاملاً قائم به نیت باطنی عمل فرد متدین است (نراقی، ۱۳۸۷: ۱۳۳). لذا سنجش بُعد اخلاقی در ادیانی مانند اسلام و مسیحیت دارای شاخصه‌های متمایز درونی و بیرونی و نیازمند سنج‌های مختص به خود است. در اسلام سنج بُعد اخلاقی باید در پی یافتن نیت کنشگران باشد ولی در مسیحیت سنج این بُعد تنها به رفتار ظاهری کنشگران محدود می‌گردد.

این تفاوت ابعادی حتی در یک محتوای دینی مانند اسلام نیز قابل پی‌گیری است. به عنوان نمونه برخی از دانش‌پژوهان حوزه اخلاق بدون رجوع به نیت جامعه مورد مطالعه، اخلاق را «مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای تعیین‌کننده رفتار آدمی و ترسیم‌کننده راه و رسم زندگی کردن دانسته‌اند» (شیروانی، ۱۳۷۸، ص ۳۸؛ فنایی، ۱۳۸۴، ص ۵۱) حتی به زعم برخی از متفکرین اسلامی تمایز خاصی نمی‌توان میان اخلاق و فقه و شریعت قرارداد. (ملکیان، ۱۳۸۷: منتظری، ۱۳۸۵، صص ۳۳ و ۳۴؛ فنایی، ۱۳۸۴، صص ۸۷ و ۱۴؛ جعفری، ۱۳۸۷، ص ۱۸۷، مصباح، ۱۳۸۵، ص ۲۶۴) مطابق با این دیدگاه، بُعد اخلاقی با دوری از نیت کنشگران دینی به حوزه عینیت و توجه رفتار دینی نزدیک‌تر می‌گردد. به عبارتی دیگر سنجش بُعد اخلاقی دینداری از نگاه شارحینی که آن را با نیت یا ظاهر رفتار دینی تعریف می‌نمایند، سنج‌های دینداری متفاوتی را می‌طلبد.

گاهی متخصصین علمی (و نه شارحین مذهبی) زمینه‌ساز این تمایزات تأکیدی و تفسیری از محتوای دینو لزوم ارائه مدل‌های تجربی دینداری جدید هستند. در این مورد بُعد تجربی دینداری به عنوان یکی از حوزه‌های قابل مناقشه قابل توجه است. اندیشمندانی که بُعد تجربی را به عنوان یکی از ابعاد دینداری قبول دارند، برداشت مفهومی و عملیاتی واحدی از آن را در ادیان مختلف قائل نیستند. احساس حضور مستقیم خداوند (رو، ۱۳۷۹: ۲۹۱). مجموعه پیچیده‌ای از احساسات و تحقق امر قدسی در آدمی (پترسون و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۴۲)، تجربه احساس مذهبی در ارتباط با جوهر ربوبی خداوند (گلاک و استارک، ۱۹۶۵: ۲۰-۳۱) نمونه‌هایی از برداشت مفهومی بُعد تجربی دینداری است.

برخی به علت نوع تعریفی که از تجربه دینی ارائه می‌نمایند، آن را مختص به دین و رزاق خاص و اهل مکاشفه می‌دانند (نراقی، ۱۳۷۸: ۱۵۲، قمی، ۸۰-۱۳۷۹: ۳۶۶، الیاده، ۱۳۷۵: ۶۴). و برخی همه مردم را صاحب تجربه دینی می‌پندارند، بطوری که تمامی اعمال و مناسک دینی را در این بُعد قرار می‌دهند (لنگه‌اوسن، ۱۳۷۹: ۲۴) (مولر، ۱۹۸۰: ۶). این نوع برداشت متمایز مفهومی از بُعد تجربی دینداری، در نوع سنج‌های این بُعد مؤثر واقع می‌گردد. بطوری که اتخاذ بُعد تجربی و تدوین نوع سنج‌های مرتبط با آن بستگی به تأکیدات محتوایی دین، شارحین مذهبی و علمی دارد. عدم تأکید محتوایی و تفسیری بُعد تجربی دین، ضرورتی را برای در نظر گرفتن آن در مدل نظری و تجربی سنجش دینداری بوجود نمی‌آورد.

نسبت مدل‌های دینداری علاوه بر سطح "ابعاد دینداری" در سطح "سنج‌های دینداری" نیز قابل توجه است. حتی در مذاهب مختلف یک دین نیز معیار واحد جهت تطبیق، اعتباری نخواهد داشت. انجام آیین عشای ربانی در مذهب کاتولیک که یک وظیفه اجباری تلقی می‌شود، در مذاهب دیگری مثل پروتستان و انگلیکن و نیز ادیان دیگری مانند یهود چنین نقش محوری بازی نمی‌کند. حضور و مشارکت در مراسم و آیین‌های دیندر عقاید الهی مکتب پروتستان، حالت اجباری ندارد و درصد اجرای آن در کلیساهای مذهب پروتستان پایین‌تر از کلیساهای مذهب کاتولیک است (ویلیم، ۱۳۸۷: ۶-۷۵). لذا نمی‌توان سهم و نوع بُعد تکلیفی و سنج‌های رفتار دینی در دو مذهب کاتولیک و پروتستان را مشابه دانست.

نماز در اسلام یکی از پنج بنا و ستون اسلام محسوب می شود (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۷) (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۳۷۰). اسلام نماز را وسیله سنجش و نشانه اصلی دینداری و ایمان می داند (دشتی، همان: ۱۴۹). به طوری که پذیرفته شدن عبادات دیگر در گرو قبولی این عبادت قرار داده شده است و کلید بهشت محسوب می شود (نهج الفصاحه، حدیث ۱۵۸۸) در روایات اسلامی از امام صادق (ع) نقل شده است که: «اولین چیزی که از بنده محاسبه می گردد "نماز" است. پس اگر پذیرفته شود، سایر اعمال از او پذیرفته می شود و اگر پذیرفته نشود سایر اعمال او نیز پذیرفته نمی شود» (اشرفی، ۱۳۸۴: ۶۱). نماز برای حکومت مذهبی ایران نیز از اهمیت و جایگاهی بالا برخوردار است که هر سال برای آن اجلاس بین المللی برگزار می گردد (طالبان، همان: ۴۶).

ولی در مسیحیت نماز به معنای رایج در دیگر ادیان نیست، بلکه بیشتر شکل دعا و نیایش دارد. مسیحی آزاد است آن گونه که می خواهد یا آن گونه که کلیسا سفارش می کند، نماز بخواند. در واقع مسیحیان نماز ویژه ای که بر آنها واجب باشد ندارند. در عهد قدیم و عهد جدید نماز واجب نیست ولی در اسلام برخی نمازها واجب و برخی غیر واجب هستند. نماز یهود و مسیحیت بیش از آنکه به عهد قدیم و عهد جدید منتسب باشد به آرای کنیسه (ربی ها و کشیشان) و کلیسا منتسب است. در مقابل، نماز در اسلام، به جای تکیه بر آرای دانشمندان و رهبران دینی، به قرآن و سنت متکی است. همچنین اگر چه امروزه به پاس مسیح (ع) روزه می گیرند ولی روزه در مسیحیت واجب نیست، برخلاف اسلام که الزامی است و بعد از نماز یکی از مهمترین تکالیف محسوب می شود (اشرفی، همان: ۱۳۲-۶۰).

این فرایند تأکیدی و نقش آن در تعیین سهم و وزن ابعاد و سنجه های دینداری توسط شارحین و مفسرین از یک دین واحد مانند اسلام نیز قابل پی گیری است. چنین تأکیدات متفاوتی را در نمونه های زیر می توان پی گیری کرد: «اسلام بر روی پنج اساس بنا شده است: نماز، روزه، زکات، حج، ولایت» به درستی که هیچ عملی بالاتر از حج نیست، مگر نماز» (حرعاملی، همان: ۲۶) «محبوبترین اعمال در نزد خداوند نماز، نیکی کردن و جهاد در راه خدا است» (همان: ۲۷) برخی منابع، دینداری را به نماز اول وقت، حفظ اسرار و دست گیری از فقیران می دانند. ولی در جای دیگر نماز، روزه و زکات نشانه های دینداری محسوب می شود (نوری، ۱۳۷۹: ۱۸۳). نوع مدل نظری و تجربی دینداری تحقیق بستگی به این دارد که جامعه مورد مطالعه محقق تحت چیرگی آموزه های کدام شارحین دینداری و تأکیدات ابعادی و سنجه ای کدام ساختار سیاسی-اجتماعی قرار دارد. محقق و سنجشگر دینداری در تدوین مدل های نظری و تجربی دینداری ابتدا باید به شناخت انتظارات، تأکیدات و محتوای درون دینی مذهبی که در فرایندهای جامعه پذیرایی قرار گرفته و پیروان مذهبی آن را آموخته و درونی کرده اند، مبارد و ورزد.

بررسی پیشینه پژوهش

بررسی تحقیقات انجام شده در حوزه دینداری نشان می دهد که بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی، دینداری را در دو بُعد «اعتقادات» و «اعمال و مناسک» در نظر گرفته اند (رونژر، ۱۳۶۴: ۶۰ و کمال المنوفی، ۱۳۷۵: ۲۰). همچنین دورکیم و انسان شناسان معتقدند که دو بُعد «اعتقادات» و «اعمال و مناسک» در هر دین و مذهبی وجود دارد و هسته مشترک کلیه ادیان محسوب می شود (طالبان، ۱۳۸۲: ۳۹).

از زمان ارائه نخستین مدل دینداری توسط گرهارد لسنکی در اوایل دهه ۶۰ تاکنون، ابعاد و شاخص های دینداری، تحولات بسیاری را به خود دیده است. (شجاعی زند، همان: ۵۴) به طوری که بسیاری از اندیشمندان جامعه شناسی با ایجاد تغییراتی در مدل های دینداری ارائه شده به بومی سازی مدل های دینداری پرداخته اند، اما هیچ یک از اندیشمندان در مدل های دینداری خود به اهمیت وزن دهی سنجه ای و ابعادی اشاره ای نکرده اند. همچنین تمایز بکارگیری مدل های دینداری با تأکیدات ابعادی و شاخصه ای در سنجش دینداری جامعه مورد مطالعه، موجب عدم امکان مقایسه تطبیقی نتایج تحقیقات دینداری مختلف با یکدیگر شده است. (طالبان، همان، ص ۳۹) جدول شماره یک مهم ترین مدل های دینداری را آورده است.

انتقاد عمده بر مدل‌های دینداری معرفی شده، کلی‌گویی و معرفی ابعادی دینداری، عدم تعیین شاخصه‌ها و سنج‌های ابعاد دینداری، عدم تعیین سهم و وزن سنج‌های و ابعادی دینداری در تعیین میزان دینداری است. از پژوهشگران اجتماعی انتظار می‌رود با توجه به نسبت مدل‌های دینداری و با توجه به محتوای دینی، ساختار سیاسی-اجتماعی و تأکیدات متمایز مذهبی شارحین، مدل‌های نظری دینداری را بکارگیری نمایند.

جدول ۱: خلاصه نظریه‌های دینداری

صاحب نظران	ابعاد یا عناصر دینداری	اصطلاح لاتین
لنسکی (۱۹۶۱)	۱. انجمنی: فراوانی مشغولیت مذهبی	1. associational
	۲. ارتباطی: ترجیح فراوانی روابط نخستین آزمودنی	2. communal
	۳. آیینی: پذیرش فکری آیینها و دستورات	3. doctrinal orthodoxy
	۴. اعتقادی: ارتباط با خدا	4. devotionalism
گلاک (۱۹۷۲)	۱. تجربی: کسب مستقیم دانش در باره موجود و تعالی	1. experiential
	۲. اعتقادی: باورهای مورد انتظار از پیروان	2. ideological
	۳. مناسکی: اعمال مذهبی مانند نماز و عبادت	3. ritualistic
	۴. فکری: دانش درباره اصول اساسی دین و ایمان	4. intellectual
	۵. استنتاجی: تجویزهای مذهبی که گرایش‌های پیروان تعیین می‌کند.	5. consequential
کینگ (۱۹۶۷)	۱. موافقت اعتقادی و تعهد شخصی	1. credal assent and personal commitment
	۲. شرکت در فعالیت‌های جماعتی	2. participation in congregational activities
	۳. تجربه مذهبی شخصی	3. personal religious
	۴. وابستگی‌های شخصی به جماعت	4. personal ties in the congregation
	۵. تعهد به جستجوی فکری در مقابل شک و تردید	5. commitment to intellectual search despite doubt
	۶. استقبال از رشد مذهبی	6. openness to religious to religious growth
	۷. تعصب مذهبی	7. dogmatism
	۸. برون‌گرایی	8. extrinsic orientation
	۹. رفتار و گرایش مالی	9. financial behavior and financial attitudes
	۱۰. گفتگو و مطالعه در باره مذهب	10. talking and reading about religion
وربیت (۱۹۷۰)	۱. مناسک	1. ritual
	۲. آیینی	2. doctrine
	۳. احساسی	3. emotion
	۴. دانش	4. knowledge
	۵. اخلاقی	5. ethics
	۶. اجتماعی	6. community
گلاک استارک	۱. اعتقادی: باورهای پیروان	1. ideological
	۲. مناسکی: اعمال دینی پیروان	2. ritualistic
	۳. تجربی: احساسات حاصل از ارتباط ربوبی	3. experiential
	۴. فکری: اطلاعات مبنایی در مورد اعتقادات هر دین	4. intellectual
	۵. پیامدی: اثرات باورها و اعمال و دانش دینی در زندگی روزمره	5. RESULT

از آنجا که گستره تحقیقات انجام شده مرتبط با دینداری بسیار وسیع است تنها به برخی از مهمترین تحقیقاتی که به مقایسه تجربی مدل‌های دینداری در ایران پرداخته اند اشاره خواهد شد:

کتاب "سنجه‌های دینداری در ایران" بیش از ۷۵ تحقیق مرتبط با سنجش دینداری در ایران را جهت تطبیق و بکارگیری تجربی مدل‌های دینداری آورده است (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸). بررسی ابعاد و گویه‌های سنجش دینداری بررسی شده در این کتاب نشان می‌دهد که هیچ یک از این تحقیقات انجام شده در دهه‌های اخیر در ایران به‌وزن دهی سنجه‌ای و ابعادی دینداری توجهی نشان نداده‌اند. همچنین اگرچه برخی تحقیقات از مدل‌های مشابه در معرفی ابعاد دینداری بهره برده‌اند ولی همه تحقیقات از گویه‌هایی متمایز برای سنجش شاخصی مشابه (مانند نماز یا اعتقاد به خداوند) برای سنجش دینداری استفاده کرده‌اند. در صورتی که جامعه آماری همه تحقیقات از لحاظ محتوای دینیو ساختار سیاسی-اجتماعی مشابه (جامعه شیعی ایران) بوده‌اند.

چنین انتقاداتی به پژوهش "افول دینداری در ایران توهم یا واقعیت" نیز وارد است. این تحقیق ۱۴ پژوهش را در دو بُعد اعتقادی (اعتقاد به وجود خداوند) و مناسک (خواندن نماز) مورد بررسی تطبیقی قرار داده است (طالبان، ۱۳۸۲). این تحقیق به مقایسه تطبیقی دو سنجه که در پژوهش‌های پیشین زمان‌ها و جامعه آماری مختلف در ایران صورت پذیرفته است، پرداخته است. کنشگران دینی بر اساس تأکیدات متفاوت ساختارهای آموزشی و سیاسی-اجتماعی و فرایند جامعه‌پذیری درک متفاوتی از اهمیت این دو شاخصه و نهایتاً مبادرت ورزیدن به آن را دارند. لذا نمی‌توان سنجه‌ای مانند "خواندن نماز" را برای ۱۴ جامعه آماری این تحقیق دارای یک سهم و وزن در سنجش میزان دینداری دانست و بر اساس آن به مقایسه میزان دینداری دانست.

شاید نوع جامعه‌پذیری دینی یک جامعه آماری در این تحقیق در مقایسه با جامعه آماری دیگر، برای خواندن نماز ارزشی بیشتر قائل شده باشد. لذا اگر دو تحقیق دارای مشابهت آماری یکسان (مثلاً ۵۲٪ هر روز نماز می‌خوانند) باشند، به معنای میزان دینداری یکسان نیست. گروهی که دارای تأکیدات بیشتری در این شاخصه است، از لحاظ آماری نیازمند درصد بالاتری برای خواندن نماز است چراکه در آن گروه سهم خواندن نماز در میزان دینداری بیشتر است. لذا در فرض قبلی (مقایسه ۵۲٪ خواندن نماز در هر روز) میزان دینداری جامعه‌ای که نوع جامعه‌پذیری دینی با محتوای ارزشی کمتر برای نماز بوده است، بیشتر است. لذا مقایسه میزان دینداری با یک سنجه مشابه در دو یا چند جامعه با ساختار سیاسی-اجتماعی و زمان مختلف، یک رویکرد علمی نیست.

همچنین شاید دو سنجه در ظاهر در حال سنجش یک رفتار دینی مانند خواندن نماز باشد، ولی برای کنشگر دینی معنا و مفهوم دیگری را تداعی نماید. لذا بکارگیری دو سنجه متمایز برای سنجش یک رفتار یا بُعد دینداری در دو گروه مورد مطالعه نیز قابل تأمل و تردید است. به طور کلی این تحقیق به علت عدم توجه به رویکرد نسبی‌گرائی در مقایسه نتایج تحقیقات با سنجه‌های دینداری و جامعه آماری مختلف، عدم توجه به وزن‌دهی سنجه‌ای و ابعادی دینداری و همچنین تقلیل میزان دینداری به دو شاخصه اعتقاد به خداوند و خواندن نماز از اعتبار کافی برخوردار نیست.

در تحقیقی که تحت عنوان "مدلی برای سنجش دینداری در ایران" انجام شد ضمن بررسی و نقد مدل‌های غربی متداول بکار گرفته شده در ایران به تدوین مدلی بومی شده اسلامی-ایرانی پرداخته شد (شجاعی زند، ۱۳۸۴). اگرچه تدوین مدل دینداری بومی شده با رویکردی بین‌رشته‌ای در این پژوهش ستودنی است ولی به بحث مهم تأکیدات درون‌دینی و برون‌دینی در وزن‌دهی سنجه‌ای و ابعادی در مدل دینداری ارائه شده توجهی نشان داده نشده است. همانند این تحقیق، پژوهش دیگری با عنوان "پیمایش سنجش دینداری در ایران" به بررسی و مقایسه مدل‌های دینداری و تدوین مدل دینداری اسلامی پرداخته است (طالبان، ۱۳۸۸). این پژوهش نیز علاوه بر اینکه نتوانسته است از توافق در سطح تئوریک به توافق در سطح تجربی برسد^۱ اشاره‌ای به تعیین سهم و وزن دهی سنجه‌ای و ابعادی در ارائه و بکارگیری مدل دینداری نداشته است.

^۱ - محقق در معرفی ابعاد و برخی شاخصه‌های دینداری از نظرات و توافقات اندیشمندان غربی و اسلامی بهره برده است ولی این توافق را در تعیین و کاربست گویه‌ها و سنجه‌های تحقیق اعمال نکرده است.

پژوهش دیگری با عنوان "مقایسه تجربی سنج‌های دینداری: دلالت‌های روش شناسانه کاربرد سه سنج در یک جمعیت" که بدنبال پاسخ‌گویی به این پرسش که آیا بکارگیری سنج‌های متفاوت دینداری در جامعه آماری واحد، میزان دینداری متفاوتی را ارائه می‌کند؟ مبادرت ورزیده است. برای بررسی این موضوع، سه سنج مشهور دینداریمورد استفاده در پژوهش‌های ایرانی رادر یک جمعیت واحد مورد آزمون قرار داده است. نتایج حاکی از این بود که سطوح دینداری در سه سنج بکارگرفته شده با یکدیگر متمایز بودند. (سطح توصیفی) همچنین از نظر رابطه دینداری با سایر متغیرها، رابطه‌های به دست آمده (سطح تبیینی) برای هر سه سنج کاملاً یکسان نبوده اند (سراج زاده و پویافر، ۱۳۸۶: ۳۷). این تحقیق مؤید رویکرد نسبی‌گرائی و توجه به تأثیر بکارگیری نوع مدل نظری و دیندار بر نتایج توصیفی و تبیینی تحقیق است. این نتیجه می‌تواند در سطحی بالاتر به اهمیت تکنیک وزن‌دهی سنج‌های ابعادی دینداری اشاره داشته باشد.

بسیاری از پژوهش‌ها، همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی که با محور "تدوین مدلی برای سنجش دینداری در ایران" انجام می‌شوند، هنوز در سطحی نظری^۱ به مباحثی مانند، امتناع یا امکان سنجش دینداری، امکان ساخت مدل بومی دینداری، معیارهای ساخت مقیاس دینداری، مبنای ساخت مدل دینداری، سنجش دینداری در مطالعات همبستگی و ... می‌پردازند. اگرچه برخی از مباحث سعی در پیوند میان مدل‌های نظری و تحقیقات تجربی را داشته‌اند ولی هیچ یک از این مباحث انجام شده نتوانسته یک مدل تجربی بومی شده مشخصی را پیشنهاد نماید و مشخصاً به بحث وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی دینداری توجه نمایند.

بررسی تأثیر وزن‌دهی ابعادی و سنج‌های مدل دینداری بر نتایج پژوهش

در این بخش با بکارگیری یک نمونه تحقیقاتی به چگونگی بکارگیری و نحوه تأثیر وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی مدل دینداری بر نتایج توصیفی و تبیینی تحقیق پرداخته خواهد شد. برای این کار محقق یک مدل دینداری بومی شده را بر روی یک جامعه آماری در دو وضعیت قبل و بعد از اعمال تکنیک وزن‌دهی ابعادی و سنج‌ایک‌کار برده است. سپس نتایج دو وضعیت را بصورت تطبیقی و مقایسه‌ای مورد بررسی قرار داده است. محقق برای چنین بررسی مقایسه‌ای، ابتدا با مدل دینداری بدون وزن‌دهی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته است و سپس به تجزیه و تحلیل توصیفی و تبیینی داده‌ها بعد از اعمال تکنیک روش شناختی وزن‌دهی مدل دینداری مبادرت ورزیده است. نهایتاً نتایج حاصل از دو وضعیت را در دو سطح توصیف و تبیین مورد بررسی تطبیقی قرار داده است.

روش‌شناسی پژوهش

محقق از روش پیمایش^۲ و تکنیک پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده است. سؤالات پرسش‌نامه حاوی ۵۱ گویه از نوع طیف لیکرت و برگرفته از مدل شجاعی‌زند با سنج‌های محقق ساخته، تشکیل شده است. برای سنجش اعتبار^۳ و پایایی^۴ ابزار به ترتیب از اعتبار صوری و آلفای کرونباخ استفاده شده است که مقدار آلفا در ابعاد مختلف اعتقادی، ایمانی، اخلاقی، عبادی و تکلیفی به ترتیب برابر با ۰/۷۷، ۰/۷۰، ۰/۴۴، ۰/۸۰ و ۰/۸۶ است. پس از گردآوری اطلاعات و وارد نمودن داده‌ها در رایانه، کار تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم افزار SPSS صورت گرفته است. جامعه آماری این تحقیق، کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر در مقطع تحصیلی پیش‌دانشگاهی شهر شیراز است. بر اساس آمار آموزش و پرورش شهر شیراز تعداد کل این دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ حدود ۱۰۸۱۲ نفر بوده است که حجم نمونه از طریق فرمول کوکران برابر با ۳۳۹ نفر بدست آمده است و از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و رعایت نسبت هر طبقه در جمعیت آماری، انتخاب شده است.

با توجه به ماهیت متغیرهای تعریف شده، از روش‌های آماری آزمون F (تحلیل واریانس) جهت مقایسه همزمان میانگین تمام گروه‌ها (منصوهر، ۱۳۷۶: ۱۹۷) و از ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه بین دو متغیر فاصله‌ای استفاده شده است. (Bryman

1. Theoretical.

2. Survey.

3. Validity.

4. Reliability.

174-172: Duncan, 1997) از رگرسیون چند متغیره برای تعیین اینکه چه مقدار از تغییرات در متغیر وابسته به خاطر متغیر مستقلی است که وارد معادله شده است، بهره‌گیری می‌شود. (همان: ص ۱۸۰) همچنین از این آماره برای پیش‌بینی مقدار متغیر وابسته بوسیله مجموعه کاملی از متغیرهای مستقل کمک گرفته می‌شود (دواس، ۱۳۸۳: ۲۲۶).

اجرای تکنیک وزن‌دهی ابعادی و سنج‌های مدل دینداری^۱

وزن‌دهی به عنوان یک تکنیک روش شناختی، پس از آزمون مقدماتی مدل دینداری با ابعاد، شاخصه‌ها و سنج‌هایی که بصورت پرسش‌نامه ترسیم شده‌اند، انجام می‌شود. وزن‌دهی با توجه به آموزه‌های دینداری و توجهات ساختاری و با تکیه بر اعتبار صوری انجام پذیر است. البته در جوامع دینی (در مقابل جوامع سکولار) به دلیل آمیختگی واقعیت اجتماعی دین با دیگر نهادهای اجتماعی، انجام مرحله وزن‌دهی در سنجش دینداری با مشکلات بیشتری روبرو است. تأکیدات منابع و آموزه‌های دینی که از طریق رهبران، مفسرین و معلمین دینیکه تحت تأثیر ساختار سیاسی-اجتماعی خاصی طرح می‌شود، مرجعی قابل استناد در وزن‌دهی‌شاخصه‌ها و ابعاد مدل‌های دینداری محسوب می‌شود.

وزن‌دهی مدل‌های دینداری از طریق تعیین سهم هر یک از ابعاد دینداری در میزان دینداری کلی و تعیین سهم هر یک از شاخصه‌ها در ابعاد دینداری به صورت درصد تأثیرگذاری اجرا خواهد شد. در تحقیق حاضر مدل دینداری شجاعی‌زند که بر اساس معیارهای بومی و آموزه‌های اسلامی به پنج بُعد اعتقادی^۲، ایمانی^۳، اخلاقی^۴، عبادی^۵ و تکلیفی^۶ تدوین شده است، به عنوان مدل نمونه‌ای دینداری در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس اعتبار صوری و آنچه در بحث نسبت مدل‌ها و سنج‌های دینداری طرح شد، برای هر یک از ابعاد دینداری سهم‌های زیر به صورت درصد در نظر گرفته شده است: اعتقادی: ۱۵٪، ایمان: ۳۰٪، اخلاقی: ۳۰٪، عبادی: ۱۰٪ و تکلیفی: ۱۵٪.

همچنین این شیوه وزن‌دهی باید در سهم هر یک از شاخصه‌های ابعاد دینداری مورد توجه قرار گیرد. به عنوان نمونه جدول شماره ۲، سنج‌های دینداری در بُعد عبادی را مطابق با آموزه‌های اسلامیتشان می‌دهد. سهم هر یک از سنج‌ها بر اساس اعتبار صوری و آنچه در بحث نسبت مدل‌ها و سنج‌های دینداری طرح شد، تعیین شده است. جهت سهولت محاسبه، سهم هر یک از سنج‌ها در ابعاد دینداری به صورت ضریب بیان می‌شود و نمره گویه در آن ضرب می‌شود.

^۱ هدف محقق از تدوین مدل دینداری بومی شده و وزن‌دهی شده در این تحقیق، بررسی تأثیر وزن‌دهی ابعادی و سنج‌های مدل دینداری بر نتایج تحقیق است. لذا محقق در ارائه مدل دینداری و تعیین سهم و وزن ابعاد و سنج‌ها (که تنها به جمع‌بندی نظرات متخصصین دینی اکتفا شده است) ادعایی مبنی بر کامل بودن مدل دینداری ارائه شده در این تحقیق را ندارد و با تدوین آن تنها بدنبال تحقق هدف بیان شده است.

^۲ Believe.

^۳ Faith.

^۴ Morality.

^۵ Worship.

^۶ Duty.

جدول ۲: سنجه‌های دینداری در بعد عبادی دین طبق آموزه‌های اسلامی

ردیف	گویه	ضریب
۳۶	آیا نماز می‌خوانید؟	۳
۳۷	در آیام ماه رمضان چقدر روزه می‌گیرید؟	۲
۳۸	آیا اهل نمازها و روزه‌های مستحبی نیز هستید؟	۱
۳۹	هر چند وقت یک‌بار، نماز خود را به جماعت می‌خوانید؟	۱
۴۰	در صورت داشتن امکانات کافی چقدر تمایل دارید که به حج بروید؟	۲

برای تعیین سهم تأثیرگذاری سنجه‌ها و ابعاد دینداری بر میزان دینداری کلی باید ابتدا در مرحله "وزن دهی سنجه‌ای" نمره افراد در هر بُعد براساس ضریب و وزن سنجه‌های آن بُعد در نظر گرفته شود، سپس در مرحله "وزن دهی ابعادی" براساس ضریب و وزن هر بُعد در میزان دینداری کلی، به نمره دینداری فرد دست یافت. این روند در نرم افزار آماری SPSS با اضافه کردن ستون دینداری کلی بعد از وزن دهی برای همه افراد در اجرای فرمان Compute Variable به آسانی قابل اجرا است.

توضیح اینکه در مرحله "وزن دهی سنجه‌ای" ابتدا نمره سنجه‌ها در ضریب آن سنجه ضرب کرده و با جمع نمره سنجه‌های هر بُعد، نمره خام دینداری فرد در آن بُعد بدست خواهد آمد. نمره خام به صورت درصد (فرد چند درصد نمره کل آن بُعد خاص را بدست آورده است) برای هر یک از ابعاد در قالب ستون‌های جداگانه آورده می‌شود. به عنوان نمونه اگر مطابق با جدول شماره ۲ برای هر پنج سنجه بُعد عبادی از طیف لیکرت با پنج پاسخ و نمره یک تا پنج برای هر سنجه در نظر گرفته شود، نمره فرد در هر سنجه باید در ضریب همان سنجه ضرب شود و نمره سنجه‌های بُعد عبادی در هم جمع شوند تا نمره خام فرد به صورت معدل در بُعد عبادی بدست آید. نهایتاً این نمره به نسبت حداکثر نمره‌ای که فرد می‌توانست در آن بُعد اتخاذ نماید، بصورت درصد برای هر فرد آورده می‌شود.

مشابه این روند برای مرحله "وزن دهی ابعادی" انجام می‌پذیرد: نمره فرد در هر بُعد را در ضریب آن بُعد (که بر اساس شدت تأثیرگذاری در میزان دینداری کلی تعیین شد) ضرب کرده و با جمع نمره ابعاد دینداری، نمره خام دینداری کلی فرد بصورت معدل بدست خواهد آمد. نمره خام دینداری کلی به نسبت حداکثر نمره‌ای که فرد می‌توانست در همه ابعاد اتخاذ نماید به صورت درصد آورده خواهد شد. این دو مرحله را می‌توان با طرح‌ریزی فرمول محاسباتی در فرمان Compute Variable در نرم افزار کامپیوتری SPSS بطور یکجا انجام داد.

تأثیر وزن دهی سنجه‌های دینداری بر نتایج توصیفی پژوهش

ارتباط مستقیم وزن دهی سنجه‌های دینداری در تعیین سطح دینداری افراد، بر آزمون فرضیه‌های تحقیقاتی زیادی خواهد گذاشت. بررسی میزان تأثیر وزن دهی سنجه‌های دینداری بر نتایج تحقیقات، با مقایسه نتایج تحقیق در قبل و بعد از وزن دهی سنجه‌ها قابل پیگیری است.

جدول ۳: گرایش‌های مرکزی میزان دینداری کلیدر قبل و بعد از وزن دهی سنجه‌ای و ابعادی دینداری

گرایش‌ها	قبل از وزن دهی	بعد از وزن دهی
میانگین	۳,۷۴	۳,۸۸
انحراف معیار	۰,۵۶	۰,۵۰
واریانس	۰,۳۱۵	۰,۲۵۲
حداقل	۲,۰۸	۲,۳۸
حداکثر	۴,۹۳	۴,۹۴

جدول شماره ۳ گرایش‌های مرکزی میزان دینداری کلی را در قبل و بعد از وزن دهی که از مجموع نمره دینداری افراد مورد مطالعه در ابعاد پنج گانه دینداری بدست آمده است، نشان می‌دهد. براساس یافته‌های جدول، تفاوت در نتایج تحقیق بر اثر وزن دهی سنجه‌های دینداری در ابعاد مختلف دینداری در قبل و بعد از دینداری کاملاً مشهود است به طوری که مقدار میانگین، انحراف

معیار، واریانس و حداقل و حداکثر میزان دینداری در قبل و بعد از وزن دهی سنجه ای و ابعادی دینداری به ترتیب حدود ۰,۱۴، ۰,۰۶، ۰,۶۳، ۰,۳۰، ۰,۰۱ تغییر داشته است.

جدول ۴: میزان دینداری قبل و بعد از وزن دهی سنجهای دینداری در بُعد عبادی دینداری

بعد از وزن دهی		قبل از وزن دهی		میزان دینداری در بعد عبادی
درصد تراکمی	درصد	درصد تراکمی	درصد	
۱۰	۱۰	۱۲/۵	۱۲/۵	پایین
۲۰	۱۰	۲۵	۱۲/۵	متوسط رو به پایین
۴۴	۲۴	۵۸	۳۳	متوسط
۷۵	۳۱	۹۴	۳۶	متوسط رو به بالا
۱۰۰	۲۵	۱۰۰	۶	بالا
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

جدول شماره ۴ میزان دینداری در بُعد عبادی را در قبل و بعد از وزن دهی نشان می دهد. براساس یافته های جدول، میزان دینداری بُعد عبادی دینداری در سطح بالا در قبل و بعد از وزن دهی سنجه ای به ترتیب برابر با ۶ و ۲۵ درصد است. اگر هدف از تحقیق بررسی سطح میزان دینداری باشد، می تواند قبل از وزن دهی حکم به پائین بودن میزان دینداری نماید ولی بعد از وزن دهی سنجه ای دینداری چنین حکمی بی اعتبار خواهد بود. همان طوری که مشاهده می شود تأثیر وزن دهی سنجه ای ابعاد دینداری در سطح توصیفی^۱ نتایج تحقیق تأثیر گذار است.

تأثیر وزن دهی سنجه های دینداری بر نتایج تبیینی پژوهش

تأثیر وزن دهی سنجه های دینداری در نتایج تحقیق زمانی محسوس تر و کاربردی تر خواهد بود که نتایج تحقیق از سطح تحلیل توصیفی به سطح تبیینی ارتقاء یابد. به عنوان نمونه می توان این تأثیر را در رابطه میان متغیر شغل و میزان دینداری افراد مورد بررسی قرار داد.

جدول ۵: رابطه میان شغل پدر و میزان دینداری فرزندان در قبل و بعد از وزن دهی

شغل پدر و میزان دینداری فرزندان	قبل از وزن دهی	بعد از وزن دهی
آزمون F	۳,۷۵۸	۲,۲۳۸
سطح معناداری (Sig)	۰,۰۰۵	۰,۰۰۷

جدول شماره ۵، نتایج آزمون F را در رابطه میان شغل پدر و میزان دینداری فرزندان در قبل و بعد از وزن دهی سنجه ای و ابعادی دینداری نشان می دهد. بر اساس داده های جدول، سطح معناداری تفاوت میانگین های رابطه میان شغل پدر و میزان دینداری فرزندان در قبل و بعد از وزن دهی سنجه های دینداری به ترتیب کمتر و بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرضیه صفر (H₀) در قبل از وزن دهی رد ولی پس از وزن دهی تأیید می شود. این بدان معناست که در جمعیت میان شغل پدر و دینداری فرزندان قبل از وزن دهی سنجه های دینداری رابطه وجود دارد ولی بعد از وزن دهی سنجه های دینداری این رابطه حذف می شود.

17. Descriptive level
18. Explanatory level

جدول شماره ۶: رابطه میان پایگاه اجتماعی و میزان دینداری در ابعاد مختلف در قبل و بعد از وزن‌دهی سنج‌های دینداری

ابعاد دینداری		اعتقادی	ایمانی	اخلاقی	عبادی	تکلیفی	دینداری کلی
قبل از وزن‌دهی	ضریب همبستگی پیرسون	-۰,۱۷۸	-۰,۱۸۵	-۰,۰۷۸	-۰,۲۲۶	-۰,۲۸۲	-۰,۲۴۷
	سطح معنی داری	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۱۵۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
بعد از وزن‌دهی	ضریب همبستگی پیرسون	-۰,۱۴۱	-۰,۰۵۴	-۰,۱۲۴	-۰,۲۰۳	-۰,۲۷۱	-۰,۱۹۱
	سطح معنی داری	۰,۰۰۹	۰,۳۲۱	۰,۰۲۲	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
تعداد افراد		۳۳۹	۳۳۹	۳۳۹	۳۳۹	۳۳۹	۳۳۹

جدول شماره ۶، رابطه میان پایگاه اجتماعی و میزان دینداری در ابعاد مختلف دینداری در قبل و بعد از وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی دینداری را نشان می‌دهد. براساس یافته‌های جدول، سطح معناداری ضریب همبستگی قبل از وزن‌دهی در بُعد اخلاقی بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است، و در ابعاد اعتقادی، ایمانی، عبادی، تکلیفی و میزان دینداری بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که به احتمال ۰/۹۵ فرضیه صفر (H_0) در بُعد اخلاقی تأیید می‌شود و در ابعاد اعتقادی، ایمانی، عبادی، تکلیفی و میزان دینداری رد می‌شود. یعنی در جمعیت بین پایگاه اجتماعی و ابعاد اعتقادی، ایمانی، عبادی، تکلیفی و میزان دینداری، همبستگی وجود دارد، ولی این همبستگی بین پایگاه اجتماعی و بعد اخلاقی مشاهده نمی‌شود.

اما سطح معناداری ضریب همبستگی بعد از وزن‌دهی در بعد ایمانی بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است، و در ابعاد اعتقادی، اخلاقی، عبادی، تکلیفی و میزان دینداری کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که به احتمال ۰/۹۵ فرضیه صفر (H_0) در بُعد ایمانی تأیید می‌شود و در ابعاد اعتقادی، اخلاقی، عبادی، تکلیفی و میزان دینداری کلید می‌شود. یعنی در جمعیت بین پایگاه اجتماعی و ابعاد اعتقادی، اخلاقی، عبادی، تکلیفی و میزان دینداری، همبستگی وجود دارد، ولی این همبستگی بین پایگاه اجتماعی و بعد ایمانی مشاهده نمی‌شود.

علاوه بر تفاوت در سطح معناداری و وجود رابطه میان متغیرهای تحقیق، در میزان همبستگی میان متغیرها نیز تغییرات محسوسی مشاهده می‌شود، بطوری که تغییرات میزان همبستگی میان پایگاه اجتماعی و میزان دینداری کلی و ابعاد تکلیفی، عبادی، اخلاقی، ایمانی و اعتقادی قبل و بعد از وزن‌دهی به ترتیب عبارت است از: ۰,۵۶، ۰,۱۱، ۰,۲۳، ۰,۴۶، ۰,۱۳۱، ۰,۳۷.

نتیجه‌گیری

هیچ یک از روش‌ها و مراحل تحقیقات اجتماعی به تنهایی نمی‌توانند به کشف تام یک واقعیت اجتماعی نائل آیند. هر یک از مراحل و تکنیک‌های تحقیق، صرفاً محقق را یک قدم به حقیقت یک واقعیت اجتماعینزدیک‌تر می‌نماید. وزن‌دهی ابعادی و سنج‌های مدل‌های دینداری، یکی از تکنیک‌های مهم و اساسی روش‌شناسی برای رسیدن و نزدیک‌تر شدن محقق به نتایج واقعی تحقیق است. این تکنیک با رویکرد نسبی‌گرائی تئوری‌های جامعه‌شناختی و لزوم تطبیق ذهنیت بر عینیت تقویت می‌گردد. براساس رویکرد بومی‌گرائی و توجه به زمینه‌های اجتماعی ساخت تئوری‌های جامعه‌شناختی، تعمیم مدل‌های نظری و تجربی جامعه‌شناختی نیازمند تطبیق تئوریک مدل‌ها با واقعیت‌های تجربی جدید است. هرگونه تعمیم و بکارگیری بدون اصلاح و تطبیق مدل‌های نظری و تجربی در سنجش یک پدیده اجتماعی، نتایج حاصله را مورد تردید قرار می‌دهد. محقق براساس ساخت و زمینه اجتماعی جامعه مورد مطالعه، مدل نظری پژوهش خود را جهت سنجش توصیفی و تبیینی بکارگیری می‌نماید.

براین اساس مدل‌های دینداری نسبی‌اند و بکارگیری آنها در یک ساختار سیاسی-اجتماعی و فرهنگ‌یجدید باید براساس محتوای دینی، انتظارات درون دینی و تأکیدات سیاسی-اجتماعی جامعه مورد مطالعه صورت پذیرد. جهت ساخت، تطبیق و تصحیح مدل‌های دینداری و همچنین تعیین شاخصه‌ها، وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی مدل دینداری باید به تأکیدات درون‌دینی و برون‌دینی مؤثر در فرایند جامعه‌پذیری دینیتوجه نشان داد و براساس آن به سنجش میزان دینداری جامعه مورد مطالعه پرداخت. فرایندهای متمایز جامعه‌پذیری دینی انسان‌ها خواستار مدل‌های دینداری منطبق بر شرایط اجتماعی خاص آنها است. تنها مدل‌های دینداری بومی و وزن‌دهی شده‌توانمندی سنجش دقیق‌تر دینداری افراد مورد مطالعه را دارند. بکارگیری این تکنیک در مدل‌سازی تئوری و تجربی

دینداری، توانمندی مدل‌ها را برای سنجش دقیق‌تر فراهم می‌نماید و ضمن دگرگونی در نتایج تحقیق، بسیاری از نتایج تحقیقات پیشین را به چالش می‌کشد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد که با اجرای دو مرحله وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی علاوه بر تأثیر در سطح توصیف‌میزان دینداری، تغییرات محسوس در سطح تبیین و رابطه میان‌متغیرها مشاهده می‌شود. اهمیت تأثیر وزن‌دهی مدل‌های دینداری در سطح تبیین به مراتب بالاتر از سطح توصیف‌یاست. به طوری که ممکن است ارتباط میان دو متغیر تحقیق در قبل از وزن‌دهی سنج‌های دینداری وجود داشته باشد ولی بعد از اجرای تکنیک وزن‌دهی این رابطه به‌طور کلی نفي‌گردد. اهمیت این مرحله از تحقیق بیشتر در انجام پژوهش‌های سطح کلان نظام اجتماع‌مربط با تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ای جامعه نمایان خواهد شد. اعتبار این تلاش نظری هم‌زمان با اجرای آن در تحقیقات محسوس‌تر خواهد بود.

رسیدن به نتایج قابل اتکا و اطمینان بخش در حوزه دینداری چه در سطح توصیفی (مقایسه نتایج دو تحقیق با افرادی مختلف) و چه در سطح تبیینی (ارتباط متغیر دینداری با دیگر متغیرها مانند اقتصاد و سپس مقایسه نتایج دو تحقیق با افرادی مختلف) نیازمند بهره‌گیری از مدل‌ها و سنج‌های دینداری معتبرتر و جامع‌تری است. مدل‌ها باید توسط محققین جامعه‌شناسی، روانشناسی و کلامی به صورت بین‌رشته‌ای و با توجه به محتوای دینی، رویکرد شارحین و مفسرین مذهبی و علمی و همچنین ساختار سیاسی-اجتماعی حاکم بر جامعه مورد مطالعه تدوین گردد و در دوره‌های زمانی مختلفی مورد بازبینی قرار گیرند. این رویکرد، هرگونه بکارگیری بدون اصلاح نظری و تجربی مدل‌های دینداری در جوامع مورد مطالعه جدید را مورد تردید قرار می‌دهد. این روند، امکان دسترسی محققین حوزه دینداری را به مدل‌های دینداری معتبر و منطبق را فراهم می‌سازد و به سیاستمداران امکان برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی اطمینان بخش‌تری را خواهد داد. لذا تأسیس یک مرکز پژوهشی تدوین‌کننده و ارائه‌دهنده مدل‌های دینداری برای دسترسی و بکارگیری محققین پیشنهاد می‌گردد.

منابع

۱. قرآن کریم: ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. آزاد ارمکی، تقی و حمید عبداللهی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی در کانادا: مسأله‌شناسی بومی و شکل‌گیری بومی‌گرائی علمی در علوم انسانی کانادایی، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران**، ص ۵۰۷-۴۹۱.
۳. اشرفی، عباس (۱۳۸۴)، **عبادات در ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام)**، تهران: امیرکبیر.
۴. افروغ، عماد (۱۳۷۳)، **دین و قشربندی اجتماعی**، "مجله راهبرد"، شماره ۳۰، تهران.
۵. الیاده، میرچارد (۱۳۷۵)، **دین پژوهی**، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. امینی، ابراهیم (۱۳۸۴)، **آشنایی با اسلام**، قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۷. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
۸. پترسون، مایکل، ویلیام هاسکو، بروس رایشنباخ، دیوید بازیگر (۱۳۷۷)، **عقل و اعتقاد دینی**، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
۹. تنهایی، ح. (۱۳۸۳)، **درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی**، مشهد: نشر مرنديز.
۱۰. تنهایی، ح.، ضرورت تاریخی و معرفت‌شناختی نظریه‌ی سیستم، نظریه‌ی کنش و تحلیل کلان و خرد در مدرنیته‌ی میانی، **فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان**، سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰.
۱۱. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰)، **جامعه‌شناسی دین**، تهران: سخن.
۱۲. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۸)، **فلسفه دین**، تدوین عبدالله نصری، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. جلالی مقدم، مسعود (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی دین و آراء جامعه‌شناسان بزرگ درباره دین**، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
۱۴. جوادی، محسن (۱۳۶۷-۷۷)، **چشم اندازی به اخلاق در قرآن**، مجله نقد و نظر، سال پنجم، شماره ۱۳، صص ۷۷-۵۶.
۱۵. جوادی آملی، عبد ا. (۱۳۸۷)، **تسبیح تفسیر قرآن کریم**، تنظیم و ویرایش علی اسلامی، قم: اسراء.
۱۶. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۶)، **وسائل الشیعه**، جلد سوم، قم: موسسه آل البيت.

۱۷. دشتی، محمد (۱۳۸۴) **ترجمه نهج البلاغه**، چاپ بیست و دوم، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
 ۱۸. دواس، دی.ای (۱۳۸۳) **پیمایش در تحقیقات اجتماعی**، ترجمه هوشنگ نایی، چاپ پنجم، تهران: نی.
 ۱۹. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۴) **توسعه و تضاد**، چاپ ششم، تهران: انتشار.
 ۲۰. رو، ویلیام (۱۳۷۹)، **تجربه دینی و عرفانی**، ترجمه اسماعیل سلیمانی فرکی، مجله نقد و نظر، سال ششم، شماره ۴-۳، صص ۳۱۹-۲۸۶.
 ۲۱. رونژر، پیرت (۱۳۶۴)، **مبانی پژوهش در علوم اجتماعی**، ترجمه محمد دادگران، تهران: نوآور.
 ۲۲. ساروخانی، باقر (۱۳۸۶)، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (روش‌های کمی: آمار پیشرفته)**، چاپ سوم، تهران: دیدار.
 ۲۳. سراج زاده، سیدحسین و محمدرضا پویافر (۱۳۸۶)، **مقایسه تجربی سنج‌های دینداری: دلالت‌های روش‌شناسانه کاربرد سه سنج در یک جمعیت**، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۳۲.
 ۲۴. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴)، **مدلی برای سنجش دینداری در ایران**، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ۶، شماره ۱.
 ۲۵. شومیکر، شومیکر و دیگران (۱۳۸۷) **نظریه‌سازی در علوم اجتماعی**، ترجمه محمد عبداللهی، تهران: جامعه‌شناسان.
 ۲۶. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۲)، **افول دینداری و معنویت در ایران: توهم یا واقعیت**، **روش‌شناسی علوم انسانی**، شماره ۳۵.
 ۲۷. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۴)، **سنجش دینداری و ارزیابی مدل اندازه‌گیری آن**، مندرج در کتاب **مبانی نظری مقیاس‌های دینی** به کوشش: محمدرضا سالاری، مسعود آذربایجانی و عباس رحیمی زاد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، صص ۵۴۶-۵۲۳.
 ۲۸. طالبان، محمد رضا (۱۳۸۸)، **پیمایش سنجش دینداری در ایران**، مرکز افکار سنجی جهاد دانشگاهی (ایسپا).
 ۲۹. فرید تنکابنی، مرتضی (۱۳۸۱)، **نهج الفصاحه**، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
 ۳۰. قمی، محسن (۱۳۸۰-۱۳۷۹)، **برهان تجربه دینی**، **مجله نقد و نظر**، سال هفتم، شماره ۲-۱، صص ۳۹۷-۳۶۴.
 ۳۱. کاظمی، عباس و مهدی فرجی (۱۳۸۸)، **سنج‌های دینداری در ایران**، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
 ۳۲. لنگهاوسن، محمد (۱۳۷۹)، **تجربه دینی**، **مجله نقد و نظر**، سال ششم، شماره ۴-۳، صص ۲۴-۴.
 ۳۳. مصباح یزدی، محمد تقی (زمستان ۷۶ و بهار ۷۷)؛ «معرفت دینی»، **کتاب نقد**، شماره ۵-۶.
 ۳۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۸)، **دین و اخلاق**، **مجله قیاسات**، سال چهارم، شماره ۳، صص ۳۷-۳۰.
 ۳۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱)، **آموزش عقائد**، چاپ هفتم، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۳۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۵)، **بنیاد اخلاق**، چاپ چهارم، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 ۳۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷)، **میزان الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، جلد پنجم، قم: دارالحدیث.
 ۳۸. منتظری، حسینعلی (۱۳۸۵)، **اسلام دین فطرت**، چاپ دوم، تهران: نشر سایه.
 ۳۹. منصورفر، کریم (۱۳۷۶)، **کاربرد آمار در علوم اجتماعی**، تهران: نی.
 ۴۰. نراقی، احمد (۱۳۷۸)، **رساله دین شناخت**، تهران: طرح نو.
 ۴۱. نوری، میرزا حسین (۱۳۷۹)، **مستدرک الوسائل**، جلد اول، قم: موسسه آل‌البیت.
 ۴۲. واخ، یوآخیم (۱۳۸۰)، **جامعه‌شناسی دین**، ترجمه جمشید آزادگان، تهران: سمت.
 ۴۳. ویلم، ژان پل (۱۳۷۷)، **جامعه‌شناسی ادیان**، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: تیان.
44. Alan Bryman & Duncan Cramer (1997). **Quantitative data analysis with SPSS for Windows**. A guide for social scientists. Routledge. London and New York.
 45. Jonston Roland L (1988). **Religion in society** usa Prentice Hall.
 46. Hallahmi, B. and Micheal Argyle (1997). **The psychology of religious behavior, belief and experience**. london, by routege.
 47. Swatos, W (1998). **Encyclopedia of religion and society** j r editor. altamira press.
 48. Himmelfarb, Harold (1975) "Measuring Religious Involvements" Social Forces, 53(4)606-18
 49. Hill, Peter & Ralph W. Hood (1999) **Measures of Religious Education** Press
 50. Stark, Rodney & Roger Finke (2000) **Acts of Faith**, University of California Press.
 51. Glock, Charles and Rodney Stark (1965) **Religion and Society in Tension**: Rand McNally.
 52. Mouller, Gert. H. (1980) **The dimensions of religiosity: A factor-analytic view of Protestants, catholics and Christian Scientists** Review of Religious Reserch 13(1)42-56.